

مقایسه بین ارزش‌های والدین و فرزندان

(مورد مطالعه: کلیه خانواده‌های دارای فرزند ۳۰-۱۵ سال ساکن شهر تهران)

سعیده علی اکبری^۱

حبیب صبوری خسروشاهی^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۰۳

چکیده

پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی رابطه بین ارزش‌های والدین و ارزش‌های فرزندان بپردازد. منظومه یا نظام ارزش‌ها به عنوان بنیادی‌ترین مؤلفه فرهنگی هر جامعه، معمولاً از طریق نفوذ تدریجی به سازمان شخصیتی افراد، نهادها و ساختارهای اجتماعی، خود را در جلوه‌های انتزاعی بازتولید کرده و در بسترهای روانی و اجتماعی در پرتو گفتمان غالب جامعه به حیات خود ادامه می‌دهند. چارچوب نظری این تحقیق براساس نظریات: رابرت مرتون، دیدگاه مکانیکی مبتنی بر همگرایی، دیدگاه تفریدی مبتنی بر واگرایی رونالد اینگلهارت، یان رابرتسون، مانهایم است. این پژوهش به صورت پیمایشی و بهره‌گیری از شیوه پرسشنامه محقق ساخته شده انجام شده است. پرسش‌نامه‌ها به کمک روش نمونه‌گیری تصادفی بین ۴۰۰ نفر از خانواده‌های ساکن تهران که دارای فرزند ۳۰-۱۵ سال می‌باشند، به صورت خوشه‌ای از پنج منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران توزیع شده است. آزمون آلفا کرونباخ نشان داد که شاخص‌های اصلی این تحقیق از ضرایب روایی نسبتاً بالایی برخوردار است. تکنیک‌های آماری مورد استفاده جدول توزیع فراوانی، آماره‌های مرکزی و پراکندگی، تحلیل عاملی، همبستگی بین متغیرها می‌باشد که به کمک نرم افزار SPSS مورد بررسی قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد بین ارزش‌های والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و بیش‌ترین همگرایی در بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان است.

واژگان کلیدی: ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی، ارزش‌های مذهبی.

۱- کارشناس ارشد علوم ارتباطات، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). sa30662@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم اجتماعی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

ارزش‌ها در زمره مهم‌ترین مشخصه‌های جوامع هستند و به مثابه پدیده‌های اجتماعی، نقش اساسی در شکل‌گیری، کنترل و پیش‌بینی و گرایش‌های افراد جامعه داشته و عنصری محوری در ساختار فرهنگی جوامع به شمار می‌روند. آن‌ها در ابعاد مختلف کنشی تأثیرات عظیمی در پی دارند که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و جنسی زندگی اعضای جامعه در کوتاه مدت و بلند مدت قابل مشاهده است.

نحوه بروز کنش افراد، ناشی از درونی شدن ارزش‌های جامعه در طی دوره رشد فرد است و درونی شدن ارزش‌ها در هر نسل به پیدایی نسل ارزشی آن جامعه در مقطعی خاص می‌انجامد. به عبارتی از یک سو درونی‌شدن ارزش‌ها و هنجارهای سنتی در میان نسل‌های گذشته، مانع از ایجاد تغییرات و نوآوری‌هایی است که جامعه در جهت پاسخگویی به نیازهای جدید خود نیازمند آن است و از سویی دیگر همواره میان ارزش‌های نو که متعلق به نسل نوظهور جامعه است با ارزش‌های سنتی نسل‌های قدیمی‌تر نهادینه شده است چالش وجود دارد که این چالش‌ها زمینه‌های پیدایی بحرانی اجتماعی را پدید می‌آورد.

ارزش‌ها را می‌توان در زمره مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده جهت‌های رفتاری اعضای جامعه و نیز زیربنای نظم اجتماعی دانست. چرا که تا زمانی که ارزش‌های یک جامعه تغییر نکند، در آن جامعه تغییری مشاهده نخواهد شد. ارزش‌های اجتماعی دیرپا و ماندگارند و یک شبه تغییر نمی‌یابند، همان‌گونه که استقرار ارزش‌ها دیر زمانی طول می‌کشد، تغییر آن‌ها و جایگزینی ارزش‌های جدید نیز به همین سیاق بوده و به مرور زمان و به تدریج صورت می‌گیرد.

در دهه‌های اخیر، با تغییر ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران در نتیجه بهبود شاخص‌هایی هم چون افزایش شهرنشینی، صنعتی‌شدن، افزایش میزان تحرک اجتماعی و مهاجرت، جوانی جمعیت، توسعه شبکه حمل و نقل عمومی، توسعه وسایل ارتباط جمعی و توسعه نهادهای اجتماعی جدید مانند آموزش و پرورش و دانشگاه زمینه مساعدی برای بروز تغییراتی در ارزش‌ها و نگرش‌های اعضای خانواده ایرانی به وجود آمده است. به گونه‌ای که روابط والدین و فرزندان تحت تأثیر شرایط اجتماعی و فرهنگی جدید قرار گرفته و دگرگونی‌هایی در آن پدید آمده است.

نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد این تحولات در جامعه و در بستر خانواده رخ داده است که این تغییرات در نسل جوان جامعه بیش‌تر مشهود است. مطالعات زیادی در زمینه ارزش‌های والدین و فرزندان صورت گرفته است که یافته‌ها نشان می‌دهد در حوزه‌های مختلف ارزشی تفاوت‌هایی وجود دارد. (صبوری‌خسروشاهی ۱۳۹۳، آزاد ارمکی و ظهیری‌نیا، ۱۳۸۹؛ آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷؛ چیت‌ساز قمی ۱۳۸۶؛ آزاد ارمکی و ملکی، ۱۳۸۶؛ توکلی، ۱۳۸۷؛ صبوری‌خسروشاهی، ۱۳۹۱).

لذا با توجه به مطالب فوق، دو سوال اساسی در این پژوهش مطرح شده است:

۱- ارزش‌های خانواده کدامند؟

۲- آیا بین این ارزش‌ها در میان والدین و فرزندان رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟

به نظر می‌رسد که خانواده یکی از کانون‌های تغییرات ارزشی جامعه محسوب می‌شود که در آن دو نسل «قدیم» و «جدید» با ارزش‌های مشترک و یا متفاوت هم زیستی دارند. خانواده به لحاظ تاریخی و اجتماعی یکی از اصلی‌ترین و مؤثرترین نهادهای اجتماعی است که بقای جامعه بدون آن ممکن نیست. به عبارتی ضرورت و اهمیت پژوهش حاضر، از آن جهت معنا می‌یابد که چون ارزش‌ها بیش‌ترین تأثیر را در کنش‌های متقابل فرزندان و والدین در درون خانواده بر جای می‌گذارند، پس پی بردن به ارزش‌های والدین و فرزندان ما را با عناصر فرهنگی خانواده که جهت دهنده کنش و رفتار اعضای آن است، آشنا می‌کند.

هم چنین به علت اینکه هر نوع تغییری در جامعه ریشه در خانواده دارد، و اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی، یا به واسطه خانواده محقق شده یا اینکه جهت‌گیری آن معطوف به خانواده بوده است، لذا بررسی و مطالعه تغییرات در حوزه خانواده به ویژه تغییرات فرهنگی و ارزشی خانواده با روش علمی از اهمیت و ضرورت بالایی برخوردار است. زیرا ارزش‌ها حلقه اتصال فرهنگ هر قوم و ملتی با نسل آینده هستند و غفلت از این مهم می‌تواند جوامع را با بحران هویت مواجه کند. لذا در این مقاله برآنیم تا با استفاده از داده‌های تجربی به دست آمده از والدین و فرزندان به بررسی رابطه بین ارزش‌های آن‌ها بپردازیم.

هدف اصلی این پژوهش بررسی و مقایسه ارزش‌های بین والدین و فرزندان می‌باشد که در قالب این هدف اصلی، اهداف جزئی ذیل، دنبال می‌شود:

- ۱- شناسایی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان
- ۲- شناسایی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان
- ۳- شناسایی رابطه بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان
- ۴- شناسایی رابطه بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان
- ۵- شناسایی رابطه بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان
- ۶- شناسایی رابطه بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان
- ۷- شناسایی رابطه بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان
- ۸- شناسایی رابطه بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان
- ۹- شناسایی رابطه بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان

در ذیل به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه می‌پردازیم:

ورن بنگستون در سال ۱۹۷۵ با یک نمونه ۲۰۴۴ نفری به بررسی سه نسل پدر و مادر بزرگ‌ها، پدر و مادرها و جوانان پرداخته است. در تحلیل‌های چند متغیره دو بعد ارزشی را

شناسایی کرده است: ارزش‌های انسان‌گرایانه در مقابل ارزش‌های مادی‌گرایانه و فردگرایی در برابر جمع‌گرایی.

به اعتقاد بنگستون دامنه انتخاب‌های افراد در قضاوت‌های ارزشی میان نسل‌ها و ارزش‌های فردگرایانه و جمع‌گرایانه متفاوت است. بنگستون با استفاده از نظریه اجتماعی نقش جامعه‌پذیری ارزشی در ثبات و تغییرات اجتماعی، به پایداری و عدم پایداری ارزش‌های نسلی می‌پردازد. به اعتقاد او خانواده به‌طور معمول مهم‌ترین مکانیسم در جامعه‌پذیری ارزش‌ها می‌باشد. لیکن از نظر او نفوذ گروه همسالان و همکلاسی‌ها در خارج از خانواده نظیر مدرسه و یا وقایع تاریخی و اجتماعی به شیوه‌ای خاص در جامعه‌پذیری جوانان به عنوان عوامل دیگر تعیین‌کننده گرایش‌های ارزشی مؤثر هستند.

مطالعه استرمن و جانسون یکی از تحقیقات دقیق در مقایسه اعتقادات ارزش‌های مذهبی جوانان و والدینشان است که در رابطه با شکاف نسل‌ها اجرا شده است. استرمن با استفاده از یک نمونه چند بعدی در سال ۱۹۶۸-۱۹۶۹ قضایای اصلی کشمکش بین نسلی را بررسی کرد. پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان در سال (۱۳۸۷) انجام شد که هدف آن بررسی اینکه آیا بین نظام ارزشی نوجوانان و ارزش‌های خانواده‌ها رابطه وجود دارد؟ جامعه مورد مطالعه در این تحقیق دانش‌آموزان دبیرستان‌های شهر تهران می‌باشند که با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای تعداد ۹۸۴ نفر از آنان انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این تحقیق پرسش‌نامه محقق ساخته بود که پس از بررسی اعتبار و روایی مورد استفاده قرار گرفت. نتایج یافته‌ها نشان داد بین نظام ارزشی نوجوانان و ارزش‌های خانوادگی، مذهبی، رسانه‌ای و ملی ارتباط معناداری وجود دارد.

پژوهشی با عنوان شکاف نسلی از لحاظ ارزش‌های مذهبی بین دو نسل دختران و مادران (مطالعه موردی دبیرستان‌های شهر جهرم) در سال (۱۳۸۷) توسط فاطمه نوری انجام شد. در این بررسی، ارزش‌های مذهبی افراد در سه بعد جمعی رفتار مذهبی، بعد فردی رفتار مذهبی و اعتقادات شاخص سازی شده است.

با استفاده از نمونه‌گیری خوشه‌ای ۲۱۶ نفر از دانش‌آموزان دبیرستانی شهر جهرم و مادران آن‌ها به عنوان نمونه انتخاب شدند و از طریق روش پیمایشی این نتایج به دست آمده است: عامل اجتماعی شدن در خانواده، یعنی ارزش‌های مذهبی مادر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین ارزش‌های مذهبی دختران خود ایفا می‌کند و بین مادران و دختران در بعد جمعی رفتار مذهبی و ارزش‌های مذهبی تفاوت معناداری می‌توان دید، اما در حوزه اعتقادات و بعد فردی

رفتار مذهبی بین مادران و دختران تفاوت معناداری وجود ندارد. به طور کلی، مادران مذهبی‌تر از دختران هستند.

پژوهش دیگری با عنوان «جوانان و دگر گونی فرهنگی ارزشی» در سال (۱۳۸۳) توسط تقی آزاد ارمکی با فرض وجود رابطه معنادار بین گروه‌های سنی و الویت‌های ارزشی (مادی / فرامادی) در سطح کشور انجام شد. نتایج حاکی از آن بود که:

۱- جامعه ایرانی جامعه‌ای است که در جریان تغییر فرهنگی قرارداد و تغییرات صورت گرفته سوگیری واحدی ندارد.

۲- با توجه به ساختار جمعیتی ایران و جوان بودن جمعیت، نسل جدید بیش‌ترین نقش را در تغییر اجتماعی و فرهنگی به عهده گرفته است. رابطه نسلی در ایران کمتر تزاومی است بلکه بیشتر بر اساس وجود ارزش‌های اجتماعی مشترک تلفیقی است.

۳- نهاد خانواده، دین و حکومت در میان نهادهای اجتماعی اهمیت بالایی دارد. بدین لحاظ با وجود تغییر در کلیت ساختار اجتماعی همچنان دین و خانواده برای همه نسل‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به مطالبی که ذکر گردید مسلماً بدون داشتن رویکرد نظری معین نمی‌توان به بیان بررسی رابطه بین ارزش‌های میان والدین و فرزندان پرداخت. از این رو گام نخست ارائه چارچوب نظری مناسب است. لذا اساس این پژوهش بر مبنای نظریات ذیل متکی است.

دیدگاه مکانیکی مبتنی بر همگرایی: در قالب رویکرد مکانیکی، واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی از وضعیت یکسانی برخوردارند و جوامع در مسیری خطی، تطور و تکامل خود را طی می‌کنند. در چنین وضعیتی، تجدد برابر با غربی شدن و آمریکایی شدن جوامع می‌شود و الگو و شکل واحدی پیدا می‌کند (آزاد ارمکی، ۱۳۸۶). این رویکرد، بر همگرایی فرهنگی در نتیجه توسعه تأکید می‌ورزد و چنین پیش‌بینی می‌کند که ارزش‌های سنتی تنزل پیدا می‌کنند و به جای آن‌ها ارزش‌های مدرن جایگزین می‌شوند (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰).

بر اساس این نظریه، جوامع گوناگون آرام آرام با یکدیگر تشابه می‌یابند و روند این تشابه رو به گسترش نهاده است. بعضی نیز عامل این همگرایی را گسترش روز افزون علوم و فنون در این کشورها می‌دانند (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۱۴۳۰). معتقدان به این نظریه اظهار می‌دارند که جامعه غیرصنعتی با گذشت فاصله‌های کم و بیش زمانی، سرانجام به‌طور همگرا به صورت جامعه‌های صنعتی مشابه متحول خواهند شد (خالقی فر، ۱۳۸۱: ۱۲۰-۱۱۹).

دیدگاه تفریدی مبتنی بر واگرایی: در این دیدگاه واقعیت‌های اجتماعی و تاریخی، واقعیت‌های منحصر به فردی تلقی می‌شوند. پس هر کدام از جوامع مسیر خاص خود را می‌روند (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴: ۲۲۰) این نظریه بر دوام و ماندگاری ارزش‌های سنتی به رغم وقوع تغییرات سیاسی اقتصادی تأکید می‌کند. پیش فرض این مکتب آن است که ارزش‌ها به طور نسبی از شرایط اقتصادی

مستقل هستند (دیماجیو، ۱۹۹۴). از این رو، پیش بینی می شود که همگرایی حول مجموعه‌ای از ارزش‌های مدرن غیر متحمل است و ارزش‌های سنتی نفوذ مستقلی بر تغییرات فرهنگی ناشی از توسعه اقتصادی خواهند داشت (اینگلهارت و بیکر، ۲۰۰۰: ۲۰).

چنین تحلیل‌هایی غالباً بر اساس توجه و تأکید بر خصلت ایجاد تمایز اجتماعی و پویایی برون مرزی صنعت شکل می‌گیرد. چرا که صنعت، اصولاً با دامن زدن به تشدید نابرابری‌های اجتماعی در درون جوامع و در صحنه بین المللی، در میان جامعه‌ها، موجب می‌شود که تمایزات اجتماعی بیش‌تر و بیش‌تر گردد (علیزاده اقدم، ۲۰۱۳: ۲۲).

رابرت مرتون جامعه را نظامی در نظر می‌گیرد که مشتمل بر مجموعه‌ای از عناصر ساختاری چون فرهنگ و ساختارهای اجتماعی است که در تعامل و هماهنگی با یکدیگر و با ایفای کارکردهای مربوط به خود، امکان تطابق نظام اجتماعی و سازگاری افراد با محیط خویش فراهم می‌سازند. در چنین دیدگاهی، الگوی رفتاری افراد، از جمله شیوه سازگاری یا تطابق آنان با محیط، تابعی از شرایط و فرصت‌هایی است که جامعه برای آنان فراهم می‌کند. در دیدگاه مرتن ساخت به رابطه پایدار بین دو یا چند عنصر اجتماعی نظیر موقعیت یا پایگاه اجتماعی و کارکرد به نتیجه عینی چنین ساختاری اطلاق می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

از نظر مرتون، در میان عناصر گوناگون ساختارهای اجتماعی و فرهنگی، دو مورد از آن‌ها اهمیت بیشتری دارند. این دو عنصر در تجزیه و تحلیل‌ها تفکیک ناپذیرند اما در وضعیت‌های عینی با یکدیگر آمیخته‌اند:

نخستین عنصر شامل هدف‌ها، منظورها و علاقه‌هایی است که به وسیله فرهنگ جامعه تعریف و تعیین شده و به صورت هدف‌های مشروع برای همه اعضای جامعه یا بخش‌هایی از آن درآمده است. هدف‌ها کامیاب همبسته‌اند و نیز به‌طور کلی در یک سلسله مراتب ارزشی دسته‌بندی می‌شوند.

این هدف‌ها گرچه با سائقه‌های «ارزش تلاش کردن» زیست‌شناختی ارتباط دارد، اما به وسیله آن‌ها تعیین نمی‌شود. عنصر دوم ساختارهای اجتماعی، شیوه‌های پذیرفتنی رسیدن به این هدف را تعیین، تنظیم و نظارت می‌کند. هر گروهی ناگزیر است هدف‌های فرهنگی خود را با مقرراتی منطبق کند که ریشه در نظام رسوم اخلاقی یا نهادها دارد و این مقررات، بیانگر راه و روش‌های مجاز حرکت به سوی این هدف‌هاست. این هنجارهای نظم دهنده ضرورتاً با هنجارهای فنی و کارآمد یکی نیستند، بلکه مربوط به احساس‌های ارزشی نهفته در آن است (گرو ثرز، ۱۳۸۳: ۴۳۲).

رونالد اینگه‌ه‌ارت، معتقد است که تغییر ارزشی، روندی است که از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد، نه به‌طور مداوم از سالی به سال دیگر (یوسفی، ۱۳۸۳: ۴۲). وی معتقد است که اشاعه‌ی رسانه‌های جمعی منجر به تغییر ارزش‌ها شده است؛ به‌طوری که در عصر کنونی، جهانی شدن ارتباطات و رسانه‌ها بر شکاف ارزش‌های نسلی تأثیر گذاشته است. لباس‌های متحدالشکل جوانان، موسیقی پاپ و... از نمودهای

تأثیر رسانه بر تغییر رفتارها و ارزش‌های نسل کنونی و عدم پای‌بندی به سنت‌های فرهنگی خود است. (همان: ۱۱۴) اینگلهارت معتقد است که در جوامع صنفی مواجه با نوعی دگرگونی ارزشی هستیم، گرایش نسبت به ارزش‌های فرامادی تقویت گردیده و نسل جدید به ارزش‌های فرامادی اولویت بیشتری می‌دهد. در تبیین این دگرگونی ارزشی و نسلی به طراحی دو فرضیه پیش‌بینی کننده می‌پردازد که عبارتند از:

۱- فرضیه کمیابی که بنا بر آن اولویت‌های فرد، بازتاب محیط اجتماعی - اقتصادی اوست.
۲- فرضیه اجتماعی شدن که اصل را بر این قرار می‌دهد که ارزش‌های اساسی فرد به شکل گسترده منعکس کننده شرایطی است که طی سال‌های قبل از بلوغش فراهم شده است. نظریه دگرگونی ارزشی که دلالت بر جا به جایی اولویت‌های مادی به سمت اولویت‌های غیرمادی دارد را به توسعه اقتصادی جوامع ارتباط می‌دهد تا جایی که برای تأثیر نهادهای فرهنگی در این دگرگونی چندان وزنی قایل نیست. جوانان به مراتب بیشتر از بزرگ‌ترها بر خواسته‌های فرامادی تأکید می‌ورزند و تحلیل گروه‌های سنی مبین این است که این موضوع به مراتب بیشتر بازتاب دگرگونی نسل‌ها است تا انعکاس سالخوردگی (آزادارمکی و غفاری: ۲۹-۳۰).

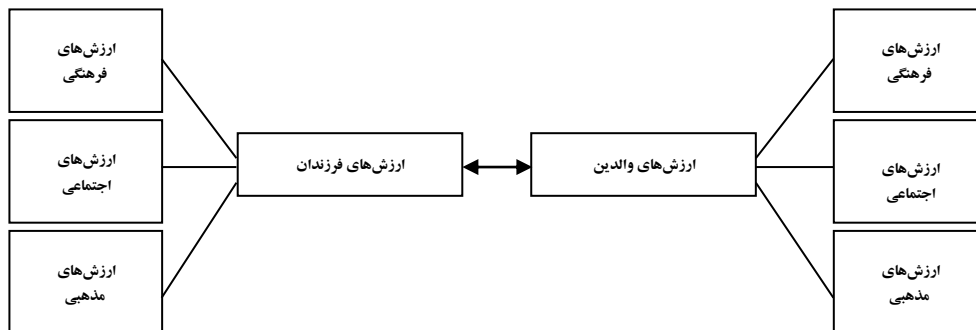
به عقیده مانهایم ظهور یک نسل حقیقی و تبلور آگاهی نسلی متمایز نتیجه حوادث تاریخی عظیمی است که افراد در حدود ۲۵-۱۷ سالگی خود در داخل حوزه جغرافیایی واحدی، به طور مشترک آن را تجربه می‌کنند (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۸). رهیافت مانهایم، تحلیلی تاریخی و ذهنی با تأکید بر روی تجارب ویژه، آگاهی و ذهنیت نسلی است. مفروضات نظری اساسی مانهایم مبنی بر این تجربه که تجارب دوره زندگی به ویژه دوره اصلی جامعه‌پذیری آن نسل بر گرایش‌های ذهنی یک نسل در طول حیات آن‌ها تأثیری قاطع دارد، چارچوب مفهومی قدرتمندی برای پیش‌بینی گرایش‌های فرهنگی نسله فراهم می‌سازد (همان: ۱۰۰).

رمپل در کتاب "نقش ارزش در جامعه‌شناسی معرفت مانهایم" عنوان می‌کند که از نظر مانهایم، ارزش‌ها فرآورده‌های ساختگی نیستند بلکه هنگامی ارزش‌ها تولید می‌شوند که واقعیت اجتماعی در حال رشد، مسائل غیر قابل محاسبه و جدیدی را به جریان‌های فکر عرضه می‌کنند، در حالی که این جریان‌ها تدریجی و تکاملی باشند. اما در نظر مانهایم ارزش‌های نسل قبل به طور کامل از بین نمی‌روند بلکه نسل جدید دست به باز تعریف ارزش‌ها و افکار و ایدئولوژی‌های حاکم می‌زند؛ به عبارت دیگر ارزش‌ها در رویکرد وی هم متغیری وابسته وهم متغیری مستقل قلمداد می‌شود، یعنی: وابسته به شرایط اجتماعی و تاریخی مانهایم معتقد است کارکرد نسل نوظهور تاریخی، همین نوآوری ارزشی و فرهنگی و تولید سبک زندگی نو است (همان: ۱۰۵).

فرمول‌بندی مانهایم از نسل‌های تاریخی، در واقع عوامل منش جمعی، حوادث چرخه‌ی حیات و وقایع اجتماعی - تاریخی را به هم پیوند می‌زند. مانهایم تأکید دارد که نسل یک موجودیت اجتماعی و نه یک

ضرورت بیولوژیکی است. هم چنین نظریه وی حاوی مفهوم دوره زندگی نیز هست. رمپل معتقد است که از نظر مانهایم، نسل محل ظهور و محمل انتقال و تدوام جهت‌گیری‌های فکری و فرهنگی جدیدی است که در بستر اجتماعی- تاریخی ویژه‌ای که هر نسل معین در آن رشد کرده، ریشه دارد. این جهت‌گیری‌ها به صورت اهداف و نیت و راه‌حل‌های نو برای مشکلات حیاتی جامعه به صورت تکامل و ظهور یک سبک نسلی ظاهر می‌شود (توکل و قاضی نژاد، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

دورکیم، جوامع را بر اساس همبستگی به دو نوع ارگانیک و مکانیکی تقسیم می‌کند. در دیدگاه وی جوامع سنتی و ماقبل صنعتی دارای فرهنگ نسبتاً پایدار با باورها و اعتقادات و آداب و سنن مذهبی و قومی ثابت است و خانواده اصالت محوری دارد و نیازهای فردی و رضایت او در برابر خانواده و گروه خویشاوندی چندان اهمیتی ندارد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت شکاف نسلی بین والدین و فرزندان وجود نخواهد داشت. چون در جامعه سنتی ارزش‌های جوانان همان قدر است که خانواده و والدین از آن‌ها انتظار دارند. ولی با شروع فرآیند صنعتی شدن و شکل‌گیری تقسیم کار، به تدریج نهادها تفکیک می‌شوند. در این حالت نهادهایی شکل می‌گیرد که بخشی از کارهای خانواده را بر عهده می‌گیرند. یعنی اشتغال و تعلیم و تربیت از خانواده جدا می‌شود و جامعه از اصالت دادن به خانواده به سمت فردگرایی و اصالت دادن به نیازهای فرد حرکت می‌کند و از اینجاست که شکاف نسلی خودش را نشان می‌دهد.



با توجه به مدل نظری «بررسی رابطه بین ارزش‌های والدین و فرزندان» این پژوهش به دنبال آزمون فرضیه‌های ذیل می‌باشد:

فرضیه اصلی پژوهش: بین ارزش‌های والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
فرضیه‌های فرعی:

- ۱- بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۲- بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۳- بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.

مقایسه بین ارزش‌های والدین و فرزندان (مورد مطالعه: کلیه خانواده‌های . . .

- ۴- بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۵- بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۶- بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۷- بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۸- بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.
- ۹- بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد.

روش

این پژوهش به صورت پیمایشی و در دو سطح توصیف و تبیین متغیرها انجام شده است. جامعه آماری تمامی خانواده‌های ساکن در شهر تهران است که فرزندان ۳۰-۱۵ سال دارند که طبق بررسی‌های انجام شده و دریافت اطلاعات از مرکز آمار ایران، تعداد آن‌ها ۱۵۲۵۴۹۹ نفر می‌باشند. حجم نمونه در این تحقیق تعداد ۴۰۰ نفر می‌باشد. تعداد نمونه‌ها را نیز از فرمول کوکران به دست آوردیم. با جای‌گذاری اعداد فوق در فرمول، حجم نمونه تعداد ۳۸۴ نفر بدست آمد که به منظور دقت بیشتر در نتایج تحقیق تعداد ۴۰۰ نفر از فرزندان به عنوان نمونه انتخاب شدند. برای نمونه‌گیری از روش تصادفی خوشه‌ای استفاده شد تا از همه مناطق شمال، جنوب، غرب، مرکز و شرق که دارای ویژگی‌های فرهنگی اجتماعی متفاوتی هستند در نمونه مورد مطالعه حضور داشته باشند.

شیوه نمونه‌گیری هم به شرح زیر می‌باشد: شهر تهران بر اساس تجانس فرهنگی، جغرافیایی، مذهبی و وضعیت اقتصادی به پنج منطقه تقسیم شد که عبارتند از: مناطق شمال، جنوب، شرق، غرب، مرکز. مناطق مورد مطالعه عبارتند از: منطقه ۱ به عنوان خوشه شمال تهران، منطقه ۵ به عنوان خوشه غرب تهران، منطقه ۸ به عنوان خوشه شرق تهران و منطقه ۱۵ به عنوان خوشه جنوب تهران و منطقه ۷ به عنوان خوشه مرکزی تهران. نحوه انتخاب نمونه بدین ترتیب بوده است که از هر منطقه ۳ ناحیه انتخاب و سپس از هر ناحیه ۳ محله و از هر محله ۱۰ خانواده انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. در این تحقیق برای سنجش پایایی داده‌ها از آزمون آلفا کرونباخ استفاده شده است. همچنین برای سنجش اعتبار از نظر اساتید برجسته و متخصص در این امر استفاده شده است. جدول ضرایب میزان پایایی نشان می‌دهد که عموماً متغیرها از ضرایب روایی بالایی برخوردارند.

متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش ارزش‌های والدین و فرزندان می‌باشد که هر کدام در سه بعد ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های مذهبی تقسیم شده است. ارزش‌های فرهنگی دارای ۱۶ گویه، ارزش‌های اجتماعی دارای ۱۰ گویه و ارزش‌های مذهبی دارای ۶ گویه می‌باشد که هر کدام با طیف پنج قسمتی لیکرت مورد سنجش قرار گرفته‌اند. متغیرهای زمینه‌ای این پژوهش هم شامل: جنس، سن، سطح تحصیلات و وضعیت مالی و اقتصادی می‌باشد.

ابزار اصلی جهت گردآوری داده‌ها و اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه می‌باشد. پس از گردآوری داده‌ها از طریق پرسشنامه، آن‌ها کدگذاری و طبقه‌بندی شدند و داده‌های آماری در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها در سطح توصیفی از جداول توزیع فراوانی، درصد فراوانی، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میانگین، نما، میانه، انحراف معیار، مینیمم و ماکزیمم) استفاده شد و در سطح استنباطی برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس استفاده شد و داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی:

از مجموع ۴۰۰ نفر پاسخگو، به لحاظ ترکیب جنسی، ۵۸ درصد فرزند دختر و ۴۲ درصد فرزند پسر هستند. به لحاظ ترکیب سنی، ۱۹/۵ درصد بین ۱۵ تا ۱۸ سال، ۳۱/۲ درصد بین ۱۹ تا ۲۲ سال، ۳۲/۵ درصد بین ۲۳ تا ۲۶ سال و ۱۶/۸ درصد بین ۲۷ تا ۳۰ سال سن دارند. به لحاظ ترکیب تحصیلات، ۱۴/۵ درصد زیر دیپلم، ۲۵/۵ درصد دیپلم، ۲۰/۲ درصد فوق دیپلم، ۲۸ درصد لیسانس، ۱۰/۸ درصد فوق لیسانس و ۱ درصد دارای تحصیلات دکتری می‌باشند. به لحاظ ترکیب وضعیت مالی و اقتصادی، ۰/۵ درصد وضعیت مالی خیلی بد، ۲/۸ درصد بد، ۳۹/۸ درصد متوسط، ۳۴/۸ درصد خوب و ۲۲/۲ درصد دارای وضعیت مالی و اقتصادی خیلی خوب هستند.

توزیع فراوانی ارزش‌های والدین و فرزندان:

ارزش‌های مذهبی: این شاخص از ۶ گویه با پنج معرف^۱ به شرح جدول ذیل تشکیل شده است که در این بین بیش‌ترین همگرایی بین والدین و فرزندان در گویه اعتقاد به خداوند و کم‌ترین همگرایی در گویه نماز خواندن می‌باشد.

جدول (۱): توزیع فراوانی میانگین شاخص ارزش‌های مذهبی والدین و فرزندان

گویه‌های ارزش‌های مذهبی	میانگین والدین	میانگین فرزندان	تفاضل میانگین‌ها
روژه گرفتن	۳/۸۶	۳/۳	۰/۵۶
نماز خواندن	۴/۰۴	۳/۲۴	۰/۸۰
شرکت در مراسم نماز جمعه	۲/۵۶	۲/۰۹	۰/۴۷
اعتقاد به خداوند	۴/۳۸	۴/۰۶	۰/۳۲
رعایت حجاب	۳/۶۸	۳	۰/۶۸
مسئله محرمیت و نامحرمی	۳/۷۷	۳/۱۱	۰/۶۶

۱- تقسیم‌بندی گویه‌ها از شماره ۱ تا ۵ به ترتیب خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد براساس طیف لیکرت انجام شده است.

مقایسه بین ارزش‌های والدین و فرزندان (مورد مطالعه: کلیه خانواده‌های . . .

ارزش‌های فرهنگی: این شاخص از ۱۶ گویه به شرح جدول ذیل تشکیل شده است که در این بین بیش‌ترین همگرایی در بین والدین و فرزندان مربوط به گویه تصمیم‌گیری برابر بین زن و مرد و کم‌ترین همگرایی مربوط به گویه مستقل زندگی کردن می باشد.

جدول (۲): توزیع فراوانی میانگین شاخص ارزشهای فرهنگی والدین و فرزندان

گویه‌های ارزش‌های فرهنگی	میانگین والدین	میانگین فرزندان	تفاضل میانگین‌ها
روابط دوستی دختر و پسر قبل از ازدواج	۲/۴۳	۲/۷۶	-۰/۳۳
احترام به والدین و بزرگترها	۴/۲۹	۳/۹۶	-۰/۳۳
شرکت در مجالس مختلط و پارتی	۲/۱۰	۲/۹۳	-۰/۸۳
ازدواج حتمی دختر و پسر	۳/۷۶	۲/۹۳	-۰/۸۳
ازدواج در سنین پایین	۲/۷۱	۲/۴۹	-۰/۲۲
دوست داشتن مهمتر از فاصله سنی	۲/۷۹	۳/۱۲	-۰/۳۳
پیروی از مد در پوشیدن لباس	۳/۰۶	۳/۶۲	-۰/۵۶
داشتن ثروت، خانه یا ماشین شیک	۳/۳۵	۳/۶۹	-۰/۳۴
انجام کارهای خانه توسط زن	۳/۱۴	۲/۸۵	-۰/۲۹
اشتغال زن در خارج از خانه	۳/۱۸	۳/۴۳	-۰/۲۵
تصمیم‌گیری برابر بین زن و مرد	۳/۸۸	۴/۰۷	-۰/۱۹
تامین هزینه‌های زندگی توسط مرد	۳/۰۸	۲/۷۱	-۰/۳۷
اهمیت به حرف و نظر والدین	۳/۷۲	۳/۴۵	-۰/۲۷
مستقل زندگی کردن	۲/۶۴	۳/۴۹	-۰/۸۵
جنسیت فرزند	۲/۵۹	۲/۳۵	-۰/۲۴
داشتن دو فرزند	۳/۳۰	۳/۰۴	-۰/۲۶

ارزش‌های اجتماعی: این شاخص از ۱۰ گویه به شرح جدول ذیل تشکیل شده است که در این بین بیش‌ترین همگرایی بین والدین و فرزندان مربوط به گویه اهمیت نظر دوستان و همسالان در تصمیم‌گیری و کم‌ترین همگرایی مربوط به گویه‌های کمک به نیازمندان و مستمندان و اهمیت به منافع دیگران در تصمیم‌گیری می باشد.

جدول (۳): توزیع فراوانی میانگین شاخص ارزش‌های اجتماعی والدین و فرزندان

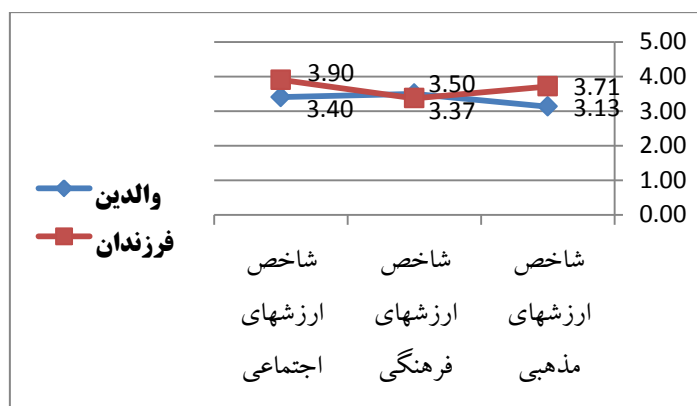
گویه‌های ارزش‌های اجتماعی	میانگین والدین	میانگین فرزندان	تفاضل میانگین‌ها
کنجکاوی والدین در امور شخصی فرزندان	۲/۹۸	۳/۲۳	-۰/۲۵
وقت شناسی در انجام کارها	۳/۷۵	۳/۴۲	-۰/۳۳
برنامه ریزی در امور زندگی	۳/۹۳	۳/۷۳	-۰/۲۰
وفای به عهد در انجام کارها	۴/۰۲	۳/۵۹	-۰/۴۳
رعایت صداقت و راستگویی	۴/۱۰	۳/۷۰	-۰/۴۰
اهمیت نظر خانواده در انتخاب دوست	۳/۳۹	۳/۱۶	-۰/۲۳
اهمیت منافع دیگران در زمان تصمیم‌گیری	۳/۴۰	۲/۹۰	-۰/۵۰
اهمیت نظر دوستان و هم سالان در تصمیم‌گیری	۳/۳۵	۳/۳۹	-۰/۰۴
کمک به نیازمندان و مستمندان	۴/۰۳	۳/۵۳	-۰/۵۰
احساس آزادی در برقراری روابط اجتماعی	۳/۲۸	۳/۳۴	-۰/۰۶

شاخص میانگین کل ارزش‌های والدین و فرزندان: این شاخص از سه گویه ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های مذهبی والدین و فرزندان به صورت جداگانه تشکیل شده است که در

این بین بیشترین همگرایی والدین و فرزندان در گویه ارزش‌های فرهنگی و کمترین همگرایی مربوط به گویه ارزش‌های مذهبی آن‌ها می‌باشد.

جدول (۴): توزیع فراوانی میانگین شاخص کل ارزش‌های والدین و فرزندان

گویه‌های ارزش‌های کل	میانگین والدین	میانگین فرزندان	تفاضل میانگین‌ها
ارزش‌های مذهبی	۳/۷۱	۳/۱۳	-۰/۵۸
ارزش‌های اجتماعی	۳/۹۰	۳/۴۰	-۰/۵۰
ارزش‌های فرهنگی	۳/۳۷	۳/۵۰	+۰/۱۳



نمودار (۱): توزیع فراوانی شاخص میانگین کل ارزش‌های والدین و فرزندان

شاخص‌های مرکزی و پراکندگی ارزش‌های والدین و فرزندان: جدول آماره‌های مرکزی و پراکندگی نشان می‌دهد حداقل نمره شاخص ارزش‌ها ۱ و حداکثر نمره ۵ می‌باشد.

جدول (۵): آماره‌های مرکزی و پراکندگی ارزش‌های والدین و فرزندان (n=۴۰۰)

ارزش‌ها	حداقل	حداکثر	نما	میان	میانگین	انحراف معیار
ارزش‌های مذهبی فرزندان	۱	۵	۳/۸	۳/۱	۳/۱	۱
ارزش‌های مذهبی والدین	۱	۵	۴/۳	۴	۳/۷	-۰/۹۰
ارزش‌های فرهنگی فرزندان	۱/۷	۴/۷	۳/۷	۳/۵	۳/۵	-۰/۵۲
ارزش‌های فرهنگی والدین	۱/۲۵	۵	۳/۲	۳/۵	۳/۴	-۰/۶۶
ارزش‌های اجتماعی فرزندان	۱	۵	۴	۳/۵	۳/۴	-۰/۶
ارزش‌های اجتماعی والدین	۱	۵	۴/۴	۴	۳/۹	-۰/۷

تحلیل عاملی: در اینجا به منظور دسته‌بندی و تقلیل شاخص‌های ارزش‌های فرهنگی فرزندان، ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های اجتماعی والدین از روش تحلیل عاملی بهره گرفته شده است. برای تحلیل عاملی بر اساس استخراج حداقل مربعات ناموزون و روش چرخش واریماکس استفاده شده است. در تمامی اجزای تحلیل عاملی ملاک کایزر برای انتخاب عامل برگزیده شد. این ملاک در

	*	*	تصمیم‌گیری برابر بین زن و مرد
	*	*	تامین هزینه‌های زندگی توسط مرد
*	*	*	اهمیت به حرف و نظر والدین
	*	*	مستقل زندگی کردن
*	*	*	جنسیت فرزند
*	*	*	داشتن دو فرزند

یافته‌های استنباطی: همانطور که قبلاً بیان شد ارزش‌های والدین و فرزندان دارای سه بعد: ارزش‌های مذهبی، ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی می‌باشد که هر کدام از آن‌ها دارای تعدادی گویه می‌باشد. حال به بررسی رابطه بین آن‌ها می‌پردازیم:

بین ارزش‌های فرهنگی والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه ضعیف تا متوسط است. بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی است. میزان رابطه ضعیف تا بسیار ضعیف است.

بین ارزش‌های فرهنگی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه ضعیف تا بسیار ضعیف است. هم‌چنین این دو متغیر با هم رابطه معکوس دارند. بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه معنادار وجود ندارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی نمی‌باشد. میزان رابطه هم ضعیف تا بسیار ضعیف است.

بین ارزش‌های اجتماعی والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه متوسط تا قوی است. بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های مذهبی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی است. میزان رابطه ضعیف تا متوسط می‌باشد. بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه ضعیف تا بسیار ضعیف است و جهت رابطه معکوس می‌باشد.

بین ارزش‌های مذهبی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه ضعیف تا متوسط است. بین ارزش‌های مذهبی والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد و قابل تعمیم به جمعیت اصلی می‌باشد. میزان رابطه ضعیف تا متوسط است.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر سعی دارد به بررسی و مقایسه ارزش‌های والدین و فرزندان بپردازد. بر طبق این هدف، دو سوال اساسی در اینجا مطرح شده است که قصد داریم تا به این سوالات پاسخ دهیم. ارزش‌های خانواده چیست؟ آیا بین این ارزش‌ها در میان والدین و فرزندان رابطه‌ای وجود دارد یا خیر؟ در پاسخ به سوال اول ابتدا مفهوم ارزش تشریح شد و سپس شاخص‌های آن (ارزش‌های فرهنگی، ارزش‌های اجتماعی و ارزش‌های مذهبی) مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در ادامه، با بهره‌گیری از

پیشینه تحقیقات انجام شده در زمینه ارزش‌ها، مشخص شد که جامعه سیری از نظام سنتی به نظام مدرنیته دارد که در طی آن بین دیدگاه و نظر فرزندان و والدینشان بر سر ارزش‌ها تفاوت‌هایی آشکار است. سپس بر اساس چارچوب تئوریک، نظریه‌های رابرت مرتون، دیدگاه مکانیکی مبتنی بر همگرایی، دیدگاه تفریدی مبتنی بر واگرایی، رونالد اینگلهارت، یان رابرتسون، مانهایم مورد توجه قرار گرفتند و بر طبق آن فرضیه‌های تحقیق تدوین شد.

آزمون فرضیه‌ها نشان داد بین ارزش‌های والدین و فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. بیش‌ترین همگرایی بین ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های اجتماعی فرزندان است. هم‌چنین تنها در یک مورد ارزش‌های اجتماعی والدین و ارزش‌های فرهنگی فرزندان رابطه وجود ندارد. براساس نتایج تحقیق پیشنهادات زیر ارائه می‌شود:

یافته‌ها نشان می‌دهد عموماً والدین نگران جامعه‌پذیری فرزندان و جایگزین شدن ارزش‌های جدید در جامعه می‌باشند. آنها سنت‌های گذشته را خوب و مثبت و سنت‌های جدید را بد و منفی تلقی می‌کنند. اما از آن جایی که خانواده‌ها نقش هدایتی در زندگی فرزندان را به عهده دارند و فرزندان نیز شور و حال دوران جوانی را در ذهن دارند بهترین کار این است که از طریق بحث و گفتگو با فرزندان خود سعی نمایند نکات مثبت سنت‌های جدید و قدیم را به فرزندان یاد داده و سپس به آنها القا کنند.

سیاست تکثر فرهنگی را باید بپذیریم تا از این طریق بتوانیم نکات مثبت فرهنگ‌های دیگر را نیز کسب کنیم. البته تکثر فرهنگی نباید موجب از بین رفتن خلاقیت در جامعه بشود. بلکه در تبادل فرهنگی باید بپذیریم که چه چیزهایی برای افراد مثبت و قابل یادگیری و بهره‌وری است و چه چیزهایی منفی و بد محسوب می‌شود و این امر جز از طرق آموزش صحیح و اطلاع‌رسانی دقیق در سطح جامعه امکان پذیر نمی‌باشد.

ذکر این نکته ضروری است که فرآیند تغییر در فرهنگ و به تبع آن، تغییر ارزش‌ها و هنجارها امری طبیعی و گریز ناپذیر است (به علت دو عامل کلیدی: ۱- سن ۲- تجربیات دوران جامعه‌پذیری و تربیت فرزندان). آن چه باید مورد توجه قرار گیرد این است که اگر این فرآیند با تمهیداتی همراه باشد روند تغییر کمترین بازخورد منفی را ایجاد کرده و بلکه با استقبال عمومی مواجه خواهد شد. به این معنا، که اگر از یک سو این امر طبیعی، مقرون به برنامه‌ریزی و هدایت نخبگان و فرهیختگان جامعه باشد و از سوی دیگر مبتنی بر نیازهای جامعه و شناخت از تحولات و جریانات حاکم بر جهان و حوزه‌های وسیع ارتباطی باشد، در این صورت جای هیچ گونه دغدغه‌ای برای این تغییرات نخواهد بود، زیرا این تحولات در یک بستر معقول و منطقی پیش خواهد رفت. دغدغه آن جاست که در روند سیاست‌گذاری و یا اجرای سیاست‌ها احیاناً از پایبندی به اصول و قواعد هنجارها غفلت ورزیده شود و این وضعیت باعث ایجاد شبهه در باورهای افراد جامعه گردد.

منابع

- آزاد مرزآبادی، اسفندیار، تابستان. (۱۳۸۷). بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزش‌های نوجوانان، مجله علوم رفتاری، دوره دو، شماره دو، تابستان ۱۳۸۷، صفحات ۱۲۶-۱۱۷.
- آزاد ارمکی، تقی، ملکی، امیر. (۱۳۸۶). تحلیل ارزش‌های سنتی و مدرن در سطوح خرد و کلان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۰.
- آزاد ارمکی، تقی، ظهیری نیا، مصطفی. (۱۳۸۹). بررسی سنخ‌های ارزشی و تغییرات فرهنگی در خانواده، فصلنامه خانواده‌پژوهی، سال ششم، شماره ۲۳.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۷۲). تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی علی محمد حاضری و جمعی از مترجمان، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- بیرو، آلن. (۱۳۶۶). فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه‌ی باقر ساروخانی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- توکل، محمد و قاضی نژاد، مریم. (۱۳۸۵). شکاف نسلی در رویکردهای کلان جامعه‌شناختی: بررسی و نقد رهیافت‌های نسل تاریخی و تضاد با تأکید بر نظریات مانهایم و بوردیو، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۷، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- توکلی، مهناز. (۱۳۸۷). ارزش‌ها، مفاهیم و ابزار سنجش، فصلنامه تحقیقات اجتماعی، سال چهارم، شماره ۴ و ۱۵.
- خالقی فر، مجید. (۱۳۸۱). بررسی ارزش‌های مادی و فرا مادی جوانان تحصیل کرده ایرانی، عوامل مؤثر بر آن و رابطه آن با برخی نشانگان فرهنگی، تهران: نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، دوره جدید، شماره ۳.
- رفیع پور، فرامرز. (۱۳۸۷). توسعه و تضاد، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: مؤسسه کیهان.
- صبوری خسروشاهی، حبیب، توکلی نیا، نفیسه. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر رسانه ملی در ایجاد شکاف نسلی، فصلنامه مطالعات رسانه‌ای، سال هفتم، شماره نوزدهم.
- علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۸۰). عوامل مؤثر بر سوگیری ارزشی دانشجویان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- غفاری، غلامرضا با همکاری عادل ابراهیمی لویه. (۱۳۸۴). جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران: نشر آگه با همکاری انتشارات لویه.
- گرو نرز، چارلز. (۱۳۸۳). نظریه‌های جامعه‌شناسی مرتن، ترجمه‌ی زهره کسای، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- یوسفی، نریمان. (۱۳۸۳). شکاف بین نسل‌ها؛ بررسی نظری و تجربی، تهران: نشر پژوهش‌گده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.